

انسان موجودی منطقی و دارای عقل است و همواره عقل و هوش یاری رسان او بوده و هست اما محیط

تأثیر فراوانی بر انسان دارد. آنچه‌ان که اگر از محیط اجتماعی و از انسان‌های دیگر دور باشد تربیت و رفتار او

کامل و مطابق هنجارهای زندگی اجتماعی نخواهد شد، اینجاست که تعلیم و تربیت نقش خود را نشان می‌دهد

و تأثیر آن بر زندگی انسان‌ها نمایان می‌گردد.

«یکی از مهم‌ترین مسائل بشر در تمامی ادوار تاریخی مقوله تعلیم و تربیت و پرورش نسل جوان برای

ورود به اجتماع و جامعه پذیری آنان بوده است. زیرا برای دوام و بقای نسل خود ناگزیر از مدیریت محیط

خویش به مدد نیروی اندیشه بوده و آنچه را که در این رهگذر تجربه کرد می‌بایست به نسل جوان منتقل نماید.

و به همین دلیل می‌توان گفت، از کهن‌ترین دوران‌های تاریخی، تعلیم و تربیت از بارزترین دل‌مشغولی‌های

جوامع بوده است. به این اعتبار می‌توان ادعا کرد که قدمت تعلیم و تربیت به قدمت بشریت است و از آنجا که

تعلیم و تربیت حتی در اشکال سنتی و تصادفی خود مسلتزم محتوا و تجارب خاصی می‌باشد، برنامه‌های درسی

نیز از قدمتی به اندازه حوزه تعلیم و تربیت برخوردار هستند» (فتحی و اجار گاه، ۱۳۸۱: ص ۱۳). همچنین «ارتباط

فلسفه با تعلیم و تربیت را به سه صورت ممکن است مجسم ساخت، در صورت اول و دوم فلسفه تعلیم و تربیت

به معنی اعمال یا اجرای فلسفه در فرایند تربیت است. در صورت سوم فلسفه به منزله تئوری یا اساس نظری و

تعلیم و تربیت به عنوان عمل، مورد توجه قرار می‌گیرد» (شریعتمداری، ۱۳۸۱: ص ۱۱۲). برنامه ریزی درسی هم

در این مقوله اهمیت بسیار بالایی دارد. با توجه به اهمیت برنامه ریزی درسی این تحقیق سعی بر آن دارد تا به

مطالعه تطبیقی برنامه ریزی درسی از دیدگاه مکاتب ایده آلیسم، رئالیسم و ماتریالیست پردازد و رابطه دین مکاتب فلسفی را به مثابه زیربنای فکری جریان برنامه ریزی درسی در حد امکان روشن سازد.

بیان مسأله

با توجه به آنکه زندگی انسان در هیچ زمان و مکانی بدون برنامه ریزی صحیح پیشرفت نخواهد داشت، همواره نیازمند برنامه ریزی است. دیدگاه های متفاوتی در مورد برنامه ریزی وجود دارد. زیرا زندگی انسان ابعاد مختلف دارد و هر بعد آن ناظر بر یکی از نیازهای او است. نیازهای مادی بعد اقتصادی زندگی بشر را شکل می دهند و نیازهای اجتماعی، سیاسی ابعاد اجتماعی و سیاسی را جلوه گرمی سازند. هر یک از جنبه های زندگی انسان وسعت و دامنه و سیعی دارد و او ناگزیر است دست به انتخاب بزند و مطابق علایق و نیازهای خود هدف های مناسب برگزیند (ملکی، ۱۳۷۹، ص ۱۱). یکی از ملاک های پایه ای این انتخاب و گزینش نظریه های فلسفی در حیطه ی تعلیم و تربیت است. این نظریه ها از نیمه دوم قرن بیستم، بویژه در دهه های پایانی این سده، شاهد تغییرات و تحولات دامنه داری بوده است (گوتک، ۱۳۸۴، ص ۱) که نیاز به مطالعه و بررسی دقیق و علمی دارد. یکی از راه های این نوع مطالعات بررسی تطبیقی دیدگاه های متفاوت پیرامون برنامه ریزی درسی است که می تواند در رسیدن به یک نقطه ایده آل ما را یاری نماید چرا که با بررسی نقاط قوت و ضعف هر یک از این دیدگاه ها می توان بهترین برنامه را یافت. با توجه به آنچه گفته شد سؤال اصلی این تحقیق آن است که

برنامه ریزی درسی از دیدگاه مکاتب ایده آلیسم، ماتریالیست و رئالیسم چگونه است؟ که در جواب به این سؤال به مطالعه تطبیقی برنامه ریزی درسی از دیدگاه این مکاتب می پردازد تا با استفاده از یافته های این مطالعه بتواند به اصولی دست یابد که با بکار بردن آن ها بهترین برنامه ریزی درسی را با توجه به آن ارائه نماید.

برنامه ریزی درسی مسئله بسیار مهمی است که ارائه دروس در یک دوره تحصیلی را با یک روند منطقی و درست امکان پذیر می سازد که حاصل آن می تواند نیروی انسانی ماهرتری برای جامعه باشد. ارائه همین نیروی ماهر و کارآمد در عرصه های گوناگون خصوصاً حوزه انسانی سبب رشد و تعالی کشور و جامعه خواهد شد.

در این تحقیق سعی بر آن است تا ابتدا به تجزیه و تحلیل شناخت شناسی مکاتب ایده آلیسم، رئالیسم و ماتریالیست پرداخته شود، سپس ارزش شناسی هر کدام از این مکاتب مورد بازکاوی قرار گیرد تا مؤلفه های برنامه ریزی درسی این مکاتب شناخته شوند. آنگاه بر پایه ی این مؤلفه ها که از طریق نقد و بررسی نقاط قوت و ضعف هر مکتب، حاصل شده اند راهکارهای مناسبی برای برنامه ریزی درسی پیشنهاد شود.

ضرورت و اهمیت پژوهش

نظام آموزشی هر جامعه ای نیروی انسانی کارآمد را برای همان جامعه تربیت می کند، هر چه این نیرو کارآمدتر و از لحاظ علمی پخته تر باشد، جامعه نیز موفق تر و پیشرفته تر خواهد بود و برای رسیدن به این مهم نیاز به یک برنامه ریزی درسی اصولی می باشد که این برنامه ریزی درسی از سال های ابتدای تحصیل تا مدارج

بالای دانشگاهی در رشته های گوناگون ادامه می یابد. به سخن دیگر «آموزش و پرورش یکی از نهادهای اصلی جامعه است، که تعلیم و تربیت و ساختن انسان های مطلوب جامعه مربوطه را به عهده دارد. برای رسیدن به این هدف نظام آموزشی کارآمد لازم است که اجزاء و عناصر مختلف آن اعم از مواد درسی، دانش آموز، معلم، و سایل آموزشی فضا و تجهیزات، بودجه و اعتبارات و غیره با یکدیگر هماهنگی و تعامل دارند تا دست یابی به هدف مورد انتظار را امکان پذیر سازند» (ملکی، ۱۳۷۹: ۱۴).

همانطور که اشاره شد در آموزش و پرورش نیز بررسی برنامه ریزی درسی دارای اهمیت بسزایی است چرا که از آموزش و پرورش است که نیروی انسانی برای دیگر بخش های جامعه تعلیم داده می شود هر چه، ارائه برنامه های درسی پخته تر و ماهرانه تر باشد و هر چه که این نهاد بتواند نیروهای قوی تر را به جامعه ارائه دهد آن جامعه به شکوفایی و بالندگی بیشتری خواهد رسید. بررسی برنامه ریزی درسی از دیدگاه مکاتب گوناگون می تواند در راه یافتن به یک برنامه صحیح، بسیار مؤثر باشد چرا که وقتی ما بدانیم مکاتب گوناگون چه دیدگاهی راجع به این مسأله مهم دارند، با یافتن نقاط قوت و ضعف آنها می توان یک برنامه قوی را ارائه نمود و همانطور که در قبل نیز آمده است، با ارائه یک برنامه ریزی صحیح و اصولی خواهد توانست گامی هر چند بسیار کوچک و جزئی اما نوید بخش را برای شکوفایی و رشد جامعه عزیز برداشت و بر همین اساس اهمیت و ضرورت پرداختن به این موضوع نیز آشکار می شود.

با توجه به آنکه، اهمیت پرداختن به برنامه ریزی درسی بر کسی پوشیده نیست و برای دست یابی به

یک برنامه ریزی صحیح، می بایست دیدگاه های متفاوت را ارزیابی نمود و با مقایسه آنها با یکدیگر بهترین را

انتخاب کرده به یک برنامه ایده آل دست یافت. پرداختن به این تحقیق از این جهت ضرورت دارد که ما را در

یافتن مؤلفه های برنامه ریزی درسی مناسب و در نهایت یک برنامه صحیح و عالی یاری نماید.

اهداف تحقیق

هدف کلی:

هدف از این تحقیق عبارتست از مطالعه تطبیقی برنامه ریزی درسی از دیدگاه مکاتب ایده آلیسم،

رنالیسم و ماتریالیست به منظور استنتاج مؤلفه های یک برنامه ریزی درسی مناسب

اهداف جزئی:

۱. شناخت و استخراج مؤلفه های شناخت شناسی در تربیت از دیدگاه مکتب ایده آلیسم.

۲. شناخت و استخراج مؤلفه های ارزش شناسی در تربیت از دیدگاه مکتب رنالیسم.

۳. شناخت و استخراج مؤلفه های برنامه ریزی درسی از دیدگاه هر یک از مکتب ماتریالیست.

۴. شناخت و استخراج مؤلفه های ارزش شناسی در تربیت از دیدگاه مکتب ایده آلیسم.

۵. شناخت و استخراج مؤلفه های ارزش شناسی در تربیت از دیدگاه مکتب رنالیسم.

۶. شناخت و استخراج مؤلفه های ارزش شناسی در تربیت از دیدگاه مکتب ماتریالیست.

۷. شناخت و استخراج مؤلفه های برنامه ریزی درسی از دیدگاه مکتب ایده آلیسم.

۸. شناخت و استخراج مؤلفه های برنامه ریزی درسی از دیدگاه مکتب رئالیسم.

۹. شناخت و استخراج مؤلفه های برنامه ریزی درسی از دیدگاه مکتب ماتریالیست.

سؤال های پژوهش:

سؤال کلی پژوهش: مؤلفه های اصلی برنامه ریزی درسی در مکاتب ایده آلیسم، رئالیسم و ماتریالیست کدام

ها هستند؟

سؤالات ویژه پژوهش عبارتند از:

۱- اصول شناخت شناختی مکتب ایده آلیسم برای برنامه ریزی درسی کدام ها هستند؟

۲- اصول شناخت شناختی مکتب رئالیسم برای برنامه ریزی درسی کدام ها هستند؟

۳- اصول شناخت شناختی مکتب ماتریالیست برای برنامه ریزی درسی کدام ها هستند؟

۴- اصول ارزش شناختی مکتب ایده آلیسم برای برنامه ریزی درسی کدام ها هستند؟

۵- اصول ارزش شناختی مکتب رئالیسم برای برنامه ریزی درسی کدام ها هستند؟

۶- اصول ارزش شناختی مکتب ماتریالیست برای برنامه ریزی درسی کدام ها هستند؟